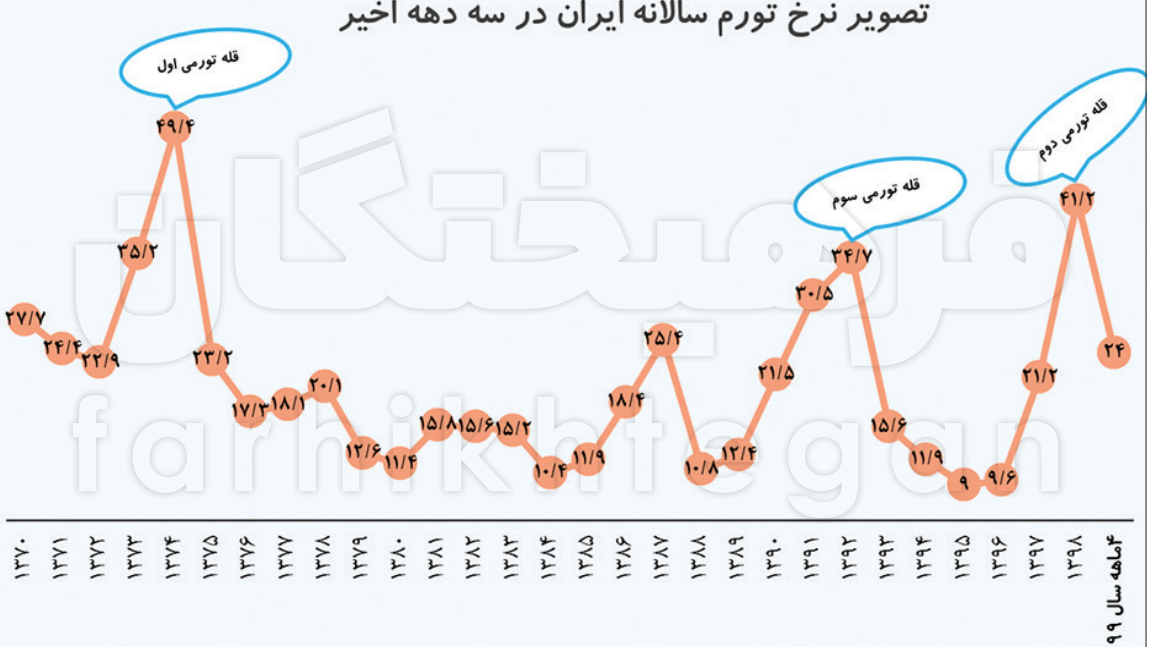
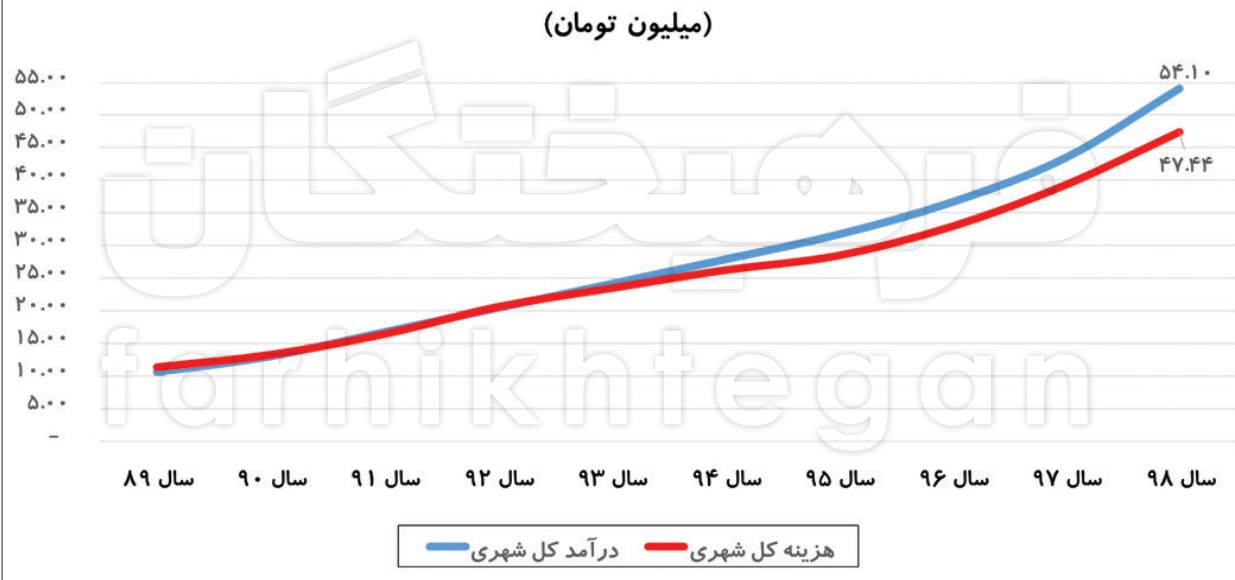




کنترل تورم بدون ریشه‌یابی آن غیرممکن است. «فره‌یختگان» در این گزارش سعی کرده تا محدودیت‌های «طرف عرضه» را به‌عنوان علت اصلی تورم بالا در مقابل نقدینگی بررسی کند

# ریشه‌یابی تورم ۹۹، علت کجاست؟

روند هزینه و درآمد کل سالانه خانوارهای شهری طی ده سال اخیر



برساند. بنابراین می‌توان سه نقطه متورم در دهه اخیر در اقتصاد کشور را سال‌های ۷۳ و ۷۴، ۹۱ و ۹۲، و ۹۷ و ۹۸، قرار داد. **ریشه تورم در اقتصاد ایران** مطالعات گسترده انجام شده در زمینه تورم در مراکز علمی و دانشگاهی، همواره متاثر از مکاتب مختلف در علم اقتصاد بوده است. این تفاوت در اندیشه، ایجادکننده نگرش‌های مختلفی در تحلیل ماهیت تورم و عوامل بروز و راه‌های درمان آن است. از یک دیدگاه، تورم به دلیل وجود عوامل حاصل از فشار تقاضا و بالا بودن تقاضای کل جامعه در مقایسه با عرضه کل اقتصاد ایجاد می‌شود. دقیق‌تر آنکه نظریه پردازان این نگرش که به آن «تورم پولی» یا «تورم فشار تقاضا» گفته می‌شود، اعتقاد دارند افزایش نقدینگی (افزایش پول و شش‌پول) با منبسط کردن اجزای تقاضای کل که شامل مصرف و سرمایه‌گذاری است، فشار تقاضا ایجاد کرده و از آنجا که طرف عرضه پاسخگوی این تقاضاها نیست، با افزایش قیمت‌ها مواجه می‌شویم. به‌طور مثال مغازه‌ای ۱۰ عدد از یک کالا دارد، اما به دلیل بالا رفتن نقدینگی و گردش داشت‌ن پول در دست مردم، تعداد خریداران بیشتر از موجودی کالا مغازه است و همین عامل باعث گرانی آن می‌شود. چنین شرایطی در اقتصاد امری توان‌رو (تورم) نیز در نظر گرفته می‌شود، چرا که همین عامل در نهایت باعث تحریک طرف عرضه نیز می‌شود. در نگرشی دیگر که به آن «تورم طرف عرضه» یا «تورم فشار هزینه» گفته می‌شود، به دلیل وجود مشکلات ساختاری و نهایی موجب افزایش قیمت‌ها فراهم می‌شود. به‌طور سناهد طرفداران این نظریه معتقدند نهاده‌ها و نیروهایی که زمینه‌های تولید کالایی را به وجود می‌آورند شامل دستمزدها، تجهیزات، مواد اولیه، نرخ ارز، انرژی، حمل و نقل و... هستند که بالا رفتن قیمت هر کدام، افزایش قیمت‌های نهایی را رقم خواهد زد. چنین شرایطی در اقتصاد را می‌توان «رکود تورمی» نیز در نظر گرفت، چرا که به رغم افزایش سطح قیمت‌ها هیچ گونه رونقی به وجود نیامده و تقاضا نیز کاهش پیدای می‌کند. اما با وجود تفسیر نظریات تورمی، چگونه می‌توان تورم در اقتصاد کشور را تفسیر کرد؟ آیا تنها نقدینگی و فشار تقاضا است که تورم را متاثر از خود کرده است؟

طریق سیستم بانکی به بنگاه‌های تولیدی در صدد ایجاد رونق اقتصادی از مسیر کاهش حجم پول و نقدینگی قرار داشت نتوانست به هدف خود برسد. در طول این چهار سال مثبت شدن بیش از اندازه نرخ بهره حقیقی (نرخ سود بانکی منهای تورم) خود عاملی برای خلق نقدینگی و تضعیف بخش عرضه (تولید کالا و خدمات) بود که فتر تورم مستتر را روز به روز فشرده‌تر می‌کرد. نرخ تورم در سال ۹۷ به واسطه جهش نرخ ارز و التهابات بازارهای مالی، بار دیگر افسار گسیخت و به سوی بالای جدول رکوردداران نرخ تورم گام برداشت. سال ۹۷ با وجود رشد ۲۳ درصدی و مناسب، نقدینگی دچار افزایش بی سابقه حجم پول در حدود ۴۷ درصد بود. در این سال دیگر بانک مرکزی شاخص قیمت مصرف‌کننده را اعلام نکرد و مرکز آمار ایران مسئولیت را به تنهایی بر دوش گرفت. این نهاد آماری نرخ تورم ۱۲ ماهه در پایان سال ۹۷ را ۲۷٫۴ درصد اعلام کرد. این شاخص در سال ۹۸ معادل ۳۵ درصد اعلام شد. در این حین کاهش نرخ بهره حقیقی و منفی شدن بی سابقه آن نیز باعث خروج پول از سیستم بانکی و ورود آن به معاملات شد. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش اخیر خود از وضعیت اقتصاد ایران، شاخص تورم نقطه‌به‌نقطه را طی ۲۸ سال گذشته مورد بررسی قرار داده است. این گزارش نشان می‌دهد که بالاترین نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه ثبت شده از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۸ ۱۳٫۹۸ درصد است. در این میان، تورم نقطه‌به‌نقطه در دهه ۹۰ به ثبت رسیده که ۴۴ درصد در سال ۹۲ بوده است. بنابراین دوره دهه ۹۰ ثبت شده است که هر دو بار در پی التهاب شدید ارزی و افت ارزش پول ملی بوده است. با وجود اینکه نرخ تورم ۱۲ ماه منتهی به پایان تیرماه ۹۹ برای خانوارهای کشور در حدود ۲۷ درصد ثبت شده است، اما انتظار می‌رود با توجه به بی ثباتی نرخ ارز، افزایش روز به روز نقدینگی، عمیق‌تر شدن رکود تورمی و همچنین افزایش انتظارات تورمی، نرخ تورم رکورد دیگری را به ثبت

تورم در اقتصاد ایران به‌عنوان یک معضل ازجمله پدیده‌های اقتصادی است که سال‌های متمادی تمام زندگی عموم مردم و سیاست‌های اقتصادی را به خود مشغول کرده و رفیع این مشکل جزء آمل مردم و سیاستگذاران شده است. تورم، پدیده اقتصادی مرسوم در بسیاری از اقتصادهای جهان است و به‌موازات آن اقتصادها نیز به برنامه‌های کنترل و مهار آن دست پیدا کرده‌اند، مثلا میانگین نرخ تورم جهان در سال ۲۰۱۸ در حدود ۲/۴ بوده، اما معضل اصلی در کشور ما نه خود تورم، بلکه مزمن بودن آن است که سال‌هاست برنامه‌های ما را در برابر این چالش عاجز کرده است. نگرش‌های متفاوتی به تورم و تعریف آن وجود دارد، با این حال همه متخصصان این حوزه اولین گام برای حل درمان آن را شناسایی ریشه‌های آن می‌دانند. شواهد نشان می‌دهد طی سده‌های اخیر سه مرتبه در اقتصاد ایران هر بار، از تورم سنگین و متوالی را طی کرده که شامل سال‌های ۷۳ و ۷۴، ۹۱ و ۹۲ و ۹۸ و ۹۹ است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های چون افزایش نرخ ارز، کاهش رشد اقتصادی، کاهش قدرت خرید در همگی این سال‌ها مشترک بوده است و نمی‌توان تنها نقدینگی را عامل به‌وجود آمدن آن دانست. این گزارش با بررسی دو نظریه تورمی موجود و با تکیه بر داده‌های آماری و شهودی به این نتیجه رسیده که تورم‌های بالاتر از میانگین تاریخی این متغیر که در حدود ۲۰ درصد است، ناشی از افزایش فشار هزینه‌ها و مختل شدن طرف عرضه بوده است. دقیق‌تر آنکه هرچند مقدار نقدینگی نسبت به سال‌های گذشته بیشتر شده، اما مقایسه قدرت نقدینگی (مثلا تبدیل نقدینگی به نرخ ارز) در سال ۹۹ با سال ۹۳ در حدود ۲۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد. از سوی دیگر از آنجا که بازارهای کشور علاوه بر افزایش قیمت با کاهش تقاضا نیز روبه‌رو هستند، نمی‌توان تورم را به افزایش نقدینگی و فشار تقاضای (مصرف + سرمایه‌گذاری) مرتبط دانست، چرا که براساس داده‌های مرکز آمار ایران از سال ۹۴ به بعد خانوارهای کشور بیش از آنکه مصرف کنند، درآمد داشته‌اند. با استناد به این دلایل می‌توان دریافت که گشایش اقتصادی به معنای واقعی نه صرفا کنترل بخش تقاضا، بلکه از مسیر طرف عرضه ممکن بوده و امکان دارد حتی جذب نقدینگی توسط دولت (از هر طریقی) به مهار تورم مزمن کشور کمکی نکند. بخش عرضه در کشور ما به دلیل افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای، افزایش دستمزدها و... با محدودیت‌هایی روبه‌رو شده است که مهم‌ترین آن همان نرخ ارز است، بنابراین مادامی که اقتصاد کشور به حالت تعادلی در نرخ ارز نرسد، نمی‌توان از مهار و کنترل تورم سخن گفت.

۳ قله تاریخی تورم در دهه ۹۰ اقتصاد ایران با تورم خورگه‌گرفته است. تورم تک رقمی طی ۴۰ سال گذشته تنها در چند مقطع کوتاه ثبت شده که پایدار نمانده است. گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس از وضعیت اقتصاد ایران نشان می‌دهد که متوسط نرخ تورم بلندمدت در اقتصاد ایران نزدیک به ۲۰ درصد بوده است در حالی که تقریبا همه کشورهای دنیا توانسته‌اند مساله تورم را حل کنند و فقط چند کشور همانند؛ آرژانتین، زیمبابوه و ونزوئلا وجود دارند که همچون ایران تورم‌های دورقمی را تجربه می‌کنند. در ۱۰ سال اخیر اقتصاد ایران وضعیت بحرانی را طی کرده است به طوری که در سال‌های ۹۱ و ۹۲ دو تورم پی‌درپی بالای ۳۰ درصد را تجربه کرده و در حال تکرار این پدیده برای سال‌های ۹۸ و ۹۹ قرار دارد. جالب است که قبل از اینها، تنها در سال‌های ۷۳ و ۷۴ بوده که دو تورم ۳۵ و ۴۹ درصدی به صورت متوالی رقم خورده است. تورم مزمنی که در ۱۰ سال اخیر باقی اقتصاد ایران شده است پس از سال‌های ۹۱ و ۹۲ و با آغاز دولت حسن روحانی روند نزولی به خود گرفت و از نرخ ۳۴/۷ درصد در پایان سال ۹۲ به ۱۵/۶ درصد برای سال ۹۳ رسید. در این سال دولت موفق شده بود با اعمال سیاست‌های انضباطی در بازار پول (افزایش سود بانکی و... تورم را کنترل و کاهش بدهد. در این سال با وجود افزایش ۳۱ درصدی نقدینگی که حتی ۲ درصدی هم از رشد سال قبل بیشتر بود، به دلیل رشد بسیار پایین و حدود یک درصدی پول (M1: اسکناس + مسکوک + سپرده‌های دیداری) و از آن طرف رشد ۲۷ درصدی شبه پول (سپرده‌های غیردیداری) با تکیه بر افزایش نرخ سود بانکی، نرخ تورم کنترل شد. در ادامه و در سال ۹۴ نرخ تورم به ۱۱/۹ درصد رسید و در اوایل سال ۹۵ این شاخص تک رقمی شد، به همین دلیل در پایان این سال نرخ تورم به ثبت رسید و در سال ۹۶ نیز با وجود بازگشت رونق نسبی به اقتصاد، نرخ تورم تک رقمی باقی ماند و روی ۹/۶ درصد ایستاد. تیم اقتصادی دولت که در چهار سال ابتدایی با افزایش نرخ سود بانکی و کاهش حجم پول جامعه و از طرفی تزریق و توزیع آن از



مردی عبدالحسینی روزنامه نگار

تورم در اقتصاد ایران به‌عنوان یک معضل ازجمله پدیده‌های اقتصادی است که سال‌های متمادی تمام زندگی عموم مردم و سیاست‌های اقتصادی را به خود مشغول کرده و رفیع این مشکل جزء آمل مردم و سیاستگذاران شده است. تورم، پدیده اقتصادی مرسوم در بسیاری از اقتصادهای جهان است و به‌موازات آن اقتصادها نیز به برنامه‌های کنترل و مهار آن دست پیدا کرده‌اند، مثلا میانگین نرخ تورم جهان در سال ۲۰۱۸ در حدود ۲/۴ بوده، اما معضل اصلی در کشور ما نه خود تورم، بلکه مزمن بودن آن است که سال‌هاست برنامه‌های ما را در برابر این چالش عاجز کرده است. نگرش‌های متفاوتی به تورم و تعریف آن وجود دارد، با این حال همه متخصصان این حوزه اولین گام برای حل درمان آن را شناسایی ریشه‌های آن می‌دانند. شواهد نشان می‌دهد طی سده‌های اخیر سه مرتبه در اقتصاد ایران هر بار، از تورم سنگین و متوالی را طی کرده که شامل سال‌های ۷۳ و ۷۴، ۹۱ و ۹۲ و ۹۸ و ۹۹ است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های چون افزایش نرخ ارز، کاهش رشد اقتصادی، کاهش قدرت خرید در همگی این سال‌ها مشترک بوده است و نمی‌توان تنها نقدینگی را عامل به‌وجود آمدن آن دانست. این گزارش با بررسی دو نظریه تورمی موجود و با تکیه بر داده‌های آماری و شهودی به این نتیجه رسیده که تورم‌های بالاتر از میانگین تاریخی این متغیر که در حدود ۲۰ درصد است، ناشی از افزایش فشار هزینه‌ها و مختل شدن طرف عرضه بوده است. دقیق‌تر آنکه هرچند مقدار نقدینگی نسبت به سال‌های گذشته بیشتر شده، اما مقایسه قدرت نقدینگی (مثلا تبدیل نقدینگی به نرخ ارز) در سال ۹۹ با سال ۹۳ در حدود ۲۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد. از سوی دیگر از آنجا که بازارهای کشور علاوه بر افزایش قیمت با کاهش تقاضا نیز روبه‌رو هستند، نمی‌توان تورم را به افزایش نقدینگی و فشار تقاضای (مصرف + سرمایه‌گذاری) مرتبط دانست، چرا که براساس داده‌های مرکز آمار ایران از سال ۹۴ به بعد خانوارهای کشور بیش از آنکه مصرف کنند، درآمد داشته‌اند. با استناد به این دلایل می‌توان دریافت که گشایش اقتصادی به معنای واقعی نه صرفا کنترل بخش تقاضا، بلکه از مسیر طرف عرضه ممکن بوده و امکان دارد حتی جذب نقدینگی توسط دولت (از هر طریقی) به مهار تورم مزمن کشور کمکی نکند. بخش عرضه در کشور ما به دلیل افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای، افزایش دستمزدها و... با محدودیت‌هایی روبه‌رو شده است که مهم‌ترین آن همان نرخ ارز است، بنابراین مادامی که اقتصاد کشور به حالت تعادلی در نرخ ارز نرسد، نمی‌توان از مهار و کنترل تورم سخن گفت.

### تورم همان گران فروشی نیست

تورم به مفهوم افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها یا کاهش مستمر قدرت خرید است که ازجمله مهم‌ترین مشکلات اقتصادی مردم و از عمده‌ترین چالش‌های پیش روی دولت‌ها و سیاستگذاران اقتصادی بوده و هست. باید متوجه بود که پدیده تورم با گران فروشی متفاوت بوده چرا که پدیده اول تمام سطوح جامعه را فرا گرفته و نشان از مختل بودن چرخه اقتصادی بوده، اما پدیده دوم در نهایت شامل منطفه‌ای کوچک بوده که بدون تاثیر بر کل جامعه است و عمدتاً نشان دهنده کامل نبودن چرخه اجتماعی-اخلاقی یک جامعه است. تورم همواره سیاستگذاران اقتصادی را بر آن داشته تا به سیاست کنترل قیمت‌ها و کاهش تورم به‌عنوان هدفی مهم برای کاهش آثار سوءتقلیل قدرت خرید مردم توجه کنند و آن را در صدر برنامه‌های اقتصادی خود قرار دهند. این برنامه‌ها که می‌توانند متناسب با ساختار سیاسی و اقتصادی هر جامعه باشد در بسیاری از کشورها شناخته شده است و همین عامل میانگین نرخ تورم در دنیا را در سال ۲۰۱۸ در حدود ۲/۴ درصد کرده است. اما همچنان تعداد انگشت شمار کشورهایی وجود دارند که در چالش‌های تورم بالا گرفتارند که اقتصاد ایران یکی از آنهاست. در همین راستا اولین قدم در جهت بهبود قدرت خرید و کاهش نرخ تورم، شناسایی ماهیت و علل تورم است و پس از آن است که پای انتخاب سیاست‌های موثر وسط می‌آید.

### تورم ایران از سمت عرضه است

همان‌طور که گفته شد در مکانیزم پولی بودن تورم، فشار تقاضا از طریق افزایش مصرف و سرمایه‌گذاری خانوارها و در مقابل عدم پاسخگویی بخش عرضه، منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود. عاملی که این روزها بسیاری از اقتصاددانان ایران نیز به آن اعتقاد دارند. هرچند توضیح فوق اشتباه نبوده و نمی‌توان رابطه نقدینگی و تورم را انکار کرد، اما براساس داده‌های شهودی و آماری به‌منظر می‌رسد که تورم‌های بالا در اقتصاد کشور ما با این توضیحات همخوانی ندارد. به‌صورت شهودی آنکه، تورم‌های بالاتر در کشور مانند کاسیان و بازاران، در دوره‌هایی با رونق اقتصادی شناخته نمی‌شوند و از قضا این دوره‌ها با کاهش مصرف کالا و خدمات از سوی خانوارها همراه است. یعنی در عین افت قدرت خرید خانوارها و کاهش مصرف آنها، افزایش سطح عمومی قیمت کالا و خدمات متوقف نمی‌شود. به‌طور مثال قیمت اجناس خوراکی در طول یک سال اخیر بیش از ۴۰ درصد افزایش داشته است، اما تقاضای این اجناس به‌مراتب منفی هم شده است. چنین تناقضی را در مورد بازارهایی که کالا و خدمات تولیدی آنها در سبد مصرف خانوارها جای دارد خواهید دید. نمودار نیز نشان می‌دهد که از سال ۹۴ به بعد خانوارهای شهری با وجود افزایش درآمد کمتر خرج کرده‌اند. کاهش مخارج خانوارها به معنی کاهش مصرف آنها بوده و مشخص می‌کند که افزایش تورم از محل فشار تقاضا ممکن نبوده است.

### قدرت نقدینگی ۲۵ درصد کاهش داشته است

بر اساس نظریه تورم فشار تقاضا، رشد نقدینگی مساوی با مجموع تورم به‌اضافه رشد اقتصادی است. به این معنی که اگر نقدینگی همانند سال ۹۸ حدود ۳۱ درصد رشد کند، باید به این اندازه یا رشد اقتصادی اتفاق بیفتد و یا اینکه تورمی به این شدت به‌وجود آید. از آنجایی که رشد اقتصادی کشور چندسالی است که در مدار منفی قرار گرفته، بنابراین پتانسیل تجمع شده در نقدینگی هم‌راه به تورم بالایی ختم شده است. افزایش خلق نقدینگی در اقتصاد ایران معمولا از سه مسیر اتفاق می‌افتد؛ اول آنکه پایه پولی

### قدرت نقدینگی ۲۵ درصد کاهش داشته است

مختل شدن همین چرخه بوده و تورم نیز حاصل آن است. از همین رومی شود تنها با سامان دادن به کسری بودجه و پایه پولی به اهداف مناسب اقتصادی دست پیدا کنیم. انتصاب تورم تنها و تنها به رشد نقدینگی تا حدود زیادی بی ارتباط با واقعیات اقتصاد ماست. وی افزود: «دستیابی به ثبات در اقتصاد بسیار آرم بوده، از همین جهت حتی تعادل در نقطه‌هایی مطرح شده از نظر قیمتی بسیار بهتر از شرایط ناپایدار فعلی است که مثلا نرخ دلار نوسانات چند هزار تومانی را در روز یا هفته تجربه می‌کند. در واقع دستیابی به تعادل بد بسیار بهتر از بی‌تعادلی است. در صورتی که حتی بتوان به تعادل بد رسید می‌توان به کنترل تورم امیدوار بود، اما در حال حاضر اقتصاد ما هر بار در شرف این مساله قرار گرفت و شوک دیگری مثل کرونا به آن وارد شد. بنابراین در صورت اینکه شوک جدیدی وارد نشود حتی گشایش‌های بین‌المللی برای تجارت خارجی نیز اتفاق نیفتد تا هم اقتصاد ایران براساس صادرات و واردات خود به تعادلی هر چند پدیده می‌رسد که می‌توان به کنترل تورم در آن امیدوار بود. این استاد دانشگاه در نهایت در مورد اصلی‌ترین عامل تورم اقتصاد نیز اضافه می‌کند: «در پایان سال ۹۸ اقتصاد کشور در حال دستیابی به تعادلی بود که شوک کرونا و شروع و بالا رفتن بازده دارایی‌هایی مثل سهام و... کمی بازارها را ملتهب کرد. این جریان در ادامه هم مهار نشد و روز به روز به تاثیرات منفی آن بر اقتصاد اضافه می‌شود. اینها در حالی است که همچنان نرخ ارز را به‌عنوان اصلی‌ترین عامل ایجاد تورم فعلی در کشور می‌دانم. از طرف دیگر نرخ ارز نیز بیش از همه چیز به میزان واردات و صادرات کشور مربوط است، اما به دلیل آنکه در کشور ما به آن به‌عنوان دارایی نیز نگاه می‌شود، می‌تواند جذاب شدن و تورمی شدن دیگر بازارهای دارایی مثل سهام، روی آن موثر باشد.»

عنوان / سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
نقدینگی (هزارمیلیارد ریال)	۶۳۹۵	۷۸۳۳	۱۰۱۷۲	۱۱۵۳۳	۱۵۲۹۹	۱۸۸۲۸	۲۴۷۲۱
نرخ رشد نقدینگی	۲۹	۵/۳۱	۳۰	۲۳	۲۲	۲۳	۳۱
پول (هزارمیلیارد ریال)	۱۱۹۶	۱۲۰۷	۱۳۶۷	۱۶۳۰	۱۹۴۶	۲۸۵۲	۴۲۷۳
نرخ رشد پول	۵	۱/۳	۱۳/۲	۱۹/۳	۱۹/۴	۴۶/۵	۴۹/۸
شبه پول (هزارمیلیارد ریال)	۵۱۹۹	۶۱۶۶	۸۸۰۵	۱۰۹۰۳	۱۳۳۵۳	۱۵۷۹۶	۲۰۴۴۸
نرخ رشد شبه پول	۴۹/۸	۲۷/۲	۳۳/۱	۲۳/۸	۲۲/۵	۱۹/۶	۲۸
نسبت شبه پول به پول	۴/۳۵	۵/۱۱	۶/۴۴	۶/۶۹	۶/۸۶	۵/۶۰	۴/۷۹
پایه پولی (هزارمیلیارد ریال)	۱۱۸۴	۱۳۱۰	۱۵۳۲	۱۷۹۷	۲۱۳۸	۲۶۵۶	۳۵۲۴
نرخ رشد پایه پولی	۲۱/۴	۱۰/۷	۱۶/۹	۱۷/۳	۱۹	۲۴/۲	۳۲/۷
تولید ناخالص داخلی (هزارمیلیارد ریال)	۱۱۸۴۳	۱۲۶۸۱	۱۵۳۲	۱۷۹۷	۱۷۹۰۶	۲۵۷۱۰	۳۴۱۶۰
نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی	۵/۵۴	۵/۶۲	۵/۸۳	۵/۸۴	۵/۸۵	۵/۷۳	۵/۷۲

### نگاه کارشناسی

## تنگنای عرضه و نقدینگی ۲ بال تورم در ایران

حسن درودیان، اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «فره‌یختگان» اصلی‌ترین عامل ایجاد تورم‌های بالاتر از نرخ میانگین آن در کشور را محدودیت‌های طرف عرضه می‌داند و معتقد است که نیروهای تاثیرگذار بر طرف عرضه همانند؛ نرخ ارز و... می‌توانند بیش از هر عامل دیگر در حال حاضر تورم را باشند. درودیان در مورد ریشه‌یابی تورم در اقتصاد کشور می‌گوید: «نرخ تورم متوسطی در کشور وجود دارد که میانگین تاریخی آن در حدود ۱۷ درصد است. این نرخ با متغیرهای پولی و فشار تقاضا قابل توضیح است و می‌توان آن را به افزایش نقدینگی مرتبط دانست، اما زمانی که نرخ تورم جهش پیدا کرده و اعداد ۳۰ تا ۴۰ درصدی را نشان می‌دهد دیگر متغیرهای پولی توضیح دهنده نیست و این عوامل و محدودیت‌های طرف عرضه است که در چنین تورمی موثر است.» وی ادامه می‌دهد: «به‌طور کلی تورم نتیجه تنگنایی برای اقتصاد ایران است که سه مولفه؛ کاهش صادرات نفت، کاهش مواد اولیه و وارداتی و جهش نرخ ارز به‌طور هم‌زمان آن را تشکیل داده‌اند. برآیند اینها علاوه بر افزایش قیمت باعث بالا رفتن میزان ناطلمینانی و سطح تورم انتظاری می‌شود.» این اقتصاددان با توجه به مولفه‌های گفته شده تنها راه تغییر فضای اقتصاد کشور را تغییر آنها می‌داند و اضافه می‌کند: «زمانی که صادرات نفت افزایش و درآمدهای ارزی افزایش پیدا کند می‌توان به کنترل بخش عرضه امیدوار بود.» درودیان می‌گوید: «شکل و شمایل اقتصاد ما سال‌هاست به این شکل بوده که ما صادرکننده نفت و محصولات آن بوده‌ایم و از طرفی واردکننده کالاهای واسطه‌ای، مواد اولیه و تا حدودی کالاهای مصرفی هستیم. حال این چرخه نه تنها در اثر تحریم‌ها مختل شده است، بلکه خود این چرخه آسیب‌زا و ناپایدار است. مختل شدن بخش عرضه اقتصاد ما یکی از تبعات